

نظاره خلق

تأمه ۶ ملی ادبی - اجتماعی و سیاسی

شماره ۶ سوم

سال اول

دوشنبه ۱۹ حمل ۱۳۳۰

روش تأمه ۶ ما

واقعا جای بسیار شکر است اکنون خلق بسیر حوادث - مملکت خود علاقه گرفته و در چند روز مقالات بسیار متعددی بما رسیده است با کمال ممنونیت بنویسندگان محترم عرض شکران نموده ولی با احترام روش خود را در آتی برای معلوماتشان بروض میرسانیم - نویسندگان عزیز! ما با ماضی سیاه و چه بود و نبود چها کردند و نکردند - درامه های ننگین و ممثلین آن سر و کاری نداشته و نداریم - حال و آینده در نظر ما قیمتدار - روزنامه ۶ ما کوچک و وقت ما تنگ است - نویسندگان ما از مظالم و سیاه روزیها - رشوتستانیهها و خورد سریها داستانها سروده ولی ما ما مور تصفیه حساب ماضی نیستیم - ما نمیتوانیم قانون متین حضرت خلیفه دوم یعنی قانون صادره علی الصما و ضبط اموال - ما مورین دولت را با حساب و سنجش عملی سازیم - ما محاکمه و داد گاه تشکیل ندادیم که خوب و بد دیروز را سره کرده و مجسمه هر کس را در قبال نظرش مجسم سازیم غایبه ۶ حقیقی ما آگاه ساختن مردم بطرز تشکیل حکومت خلق یعنی حکومتیست که توسط رای آزاد مردم انتخاب شده و توسط خلق یعنی بواسطه نمایندگان شان کابینه مسئول تشکیل گردیده و برای خلق یعنی مطابق میل و رضای مردم و برای راحت و سعادتشان کار کند و همین است تعریف حقیقی دیمو کراسی - ما آرزو داریم بخلق مفهوم قانون - حقوق و راحتی را که قانون اساسی و - قوانین عمومی برای خلق تهیه میکند - حقوق حاکم و - محکوم - طرز انتخابات و کلاء - حقوق و کلاء شورای ملی - آزادی بیان - نشرات و اجتماعات سیاسی و تشکیل

ما چه داریم ؟

ظاهرا هر چیز! مثلا وزارتات - ریاسات - مرسات - متنوع - معارف - تجارت - شوارع و حمل و نقل و صدها چیز دیگر . اما معناتشریبا هیچ چیز و یا کم چیز - بطور مثال دیروز نداشتیم و امروز وزارت معدن داریم اما این وزارت در عمل چه کرده؟ نفت و نغال و آهن استخراج کرده یا کدام شی دیگر؟ همه میدانیم هیچ چیز تنها کاریکه کرده همان نمک کهنه یاد گاردوره حضرت نوح را در عوض قاطر توسط لاری حمل و نقل و بقیمت گزاف تری بمردم داده است - همچنین در قرن گذشته ما وزارت مالیه نداشتیم و امروز داریم و لسی همانطور که در گذشته حساب قطعی ما لانه مملکت را نمیدانستیم امروز هم نمیدانیم - فقط قرقی که در بین دیروز و امروز است این است که آنوقت مستوفیهها اسپ سوار شده و روی توشک می نشستند و امروز روسا مالیه یا قلم رنگین امضاء های پر نقش و نگار طفوائی میتما یند و مو ترهای چند متره سوار میشوند - کسار دیگر و مهم تشکیلات جدید ۶ ما این است که هر یک به توسعه بی سبب ادارات مربوطه خود کوشیده - اتصا لا شعبه های بو قلمون بعنوان تدقیق - ارتباط مخصوص و اصطلاح و ترقی و دها چیز دیگر ایجاد - و رتبه های سر گیج کنی اختراع کرده میروند - بدرجه ۶ که اینک در یک ریاست چندین معین اول و ثانی و ثالث و رابع و در یک وزارت چندین وزیر و وزیر مختار - و در یک کابینه چندین وزیر دولت و ملت رویهم ریخته اند - در حالیکه نه مملکت زراعتی شده و نه صناعتی

پرهیز غور و آل

همدا اوس باید خه و کـ پرو؟

مرد ته دیر کارونه به مخ کی پراته دی چه باید ویی کپرو
 مگوبه دی تولو کی کوم چه الزم اوامه وی باید هغه ته مخ
 کی برید و کپرو که خه هم دا پشته دیر غلی بخوا هم شوی
 وه - به خوله مو دیری خیری اتری کپی دیر تبه تبه مشغول
 مشغول پلانوه موهم جور کپیدی مگرد عمل به غای کی مو
 یو پل هم ندی ایسی . به هر صورت موز باید تیر و خپرو
 پسی و نه گرزو چه خه شویدی او خه نه دی شوی - تیر به
 تیره هر خه چه و هغه باید هیر کپرو - او هم دا اوس باید
 دی ته خیر شو چه خه و کپرو - زه پخبله خو به دغه عقیده
 یم چه که چیزی موز حقیقه تمام اصلاحاتو طرفدار یو او غوا
 چه دا بد بخت شور د خاورو ته پورته کپی اود نیک بختی
 به لار هم کپرو - نو اموری تر هر خه دا به کار دی چه
 خپل نقا یس او مایب اصلاح کپرو - که موز خپل خانوند
 اصلاح کولی نشی نو ز موز و کونی محیط او ماول هم موز
 به بل غلی - ز موز اخلاقی مفلسد او اجتماعی مایب به -
 هغوی کی هم غای نیسی و وو و وو کوخه وال او بیاتسول
 کلی وال به هغو بدوا و ناورو خو یونواخته کپزی .
 بشری یو لنی او جوامع تولد همدغو افرادونه جوریزی
 که افراد صالح و - جو لانه صالح او نیک مرغه وی او که
 افراد مفسد وی نو تولد هم ورسره مفسدیزی . ز موز -
 مامورین او کار داران - د زور او د قدرت خاوندان -
 دکا داران او کاسبان چه که نن خپله گتهد بل به ضرر
 کی لغوی علتیی دا دی چه اجتماعی تربیه نه لری او
 بله دا چه تولد موز خپل ورونه دی یا مو خامن دی د کوم
 بل مملکت نه ندی راغلی - تولد همدا خپله یو - پرا یه
 او اجنبی را باندی حکومت نه کوی - که موز د شخصیات و او
 خان خانی تفر تول کپرو او په رستی سره د ملی او -
 اجتماعی درد روحیه به خان کی هوی کپرو نو خود بخود ه
 او توماتیکی صورت سره ز موز تولد کارونیدمیدونکی وی مگر
 له بده مرغه ز موز د هر یوه د خان خانی او شخصیت پرستی
 روحیه دومره هوی ده چه قام او ملت خو ادوله سره -
 پیژ نو هم نه - فقط او فقط د خان به غم کی دوب یو -
 ز موز زیات تره کارونه نمایشی دی به هر کار او هر خیره
 کی مو شخصی استفاده به نظر کی وی موز دیر خلیک پیژ نو
 چه یو صمد غه چل او تقلب - به مدغو دروغوا و نمایشی -
 کارونوی یوه وخت کی دیر خلق تیر ایستی و - خانونه

شاغلی سور وال

انصارات دولتی

شب اول حمل اعلانی را از طرفش کت قند و بطورول در
 کابل راندیو شنیدیم که حاکی از ارتباط امور انشورکت
 بمرسسه (انصارات دولتی) بود چون برای اولین مرتبه
 نام انصارات دولتی را شنیدیم بفکر اقتتیدیم که یعنی چه ؟
 اول فکر کردم که شاید این موسسه نظیر دیگر شرکت های
 انصاری خواهد بود و جدیداً (بران خدمت بمملکت تشکیل
 یافته باشد ولی دو کلمه (انصارات) و (دولتی) -
 وادام کردیم فکر کنیم حتی از بعضی اشخاص با اطلاع
 بهرسم . صبح اول حمل از چندین نفر پرسیدم آنها نیز
 عدم اطلاع خود را وانمود کردند . بالاخر ساعت يك ونیم
 خبریده جدید التاسیس (وطن) بدستم افتاد در صفحه
 دوم آن نوشته شده بود از شوری گذشت خدا کند
 نشرشده اما اکنون که مجلس عمومی وجود ندارد آیا
 يك کو میتونه میتواند حکمی صادر کند؟ از چند سال است
 در یه رادیو و مطبوعات خارج مطلع بودیم که در دنیا
 اکثر موسسات بزرگ که بحیات عامه ربط مستقیم دارند
 ملی ساخته میشوند یعنی بدولت تعلق میگیرند . چنانچه
 صنایع آهن و فولاد برطانیه که اساس تمام صنایع می
 باشد نیز بالاخره تقریباً بعد از چهار سال مذاکرات و
 مشاجرات سخت ملی ساخته شد یعنی (یقیناً در صفحه ۴۵)
 x بی تولنی تهد ویتو او حساسو ظلموبه نامشودلی وه
 ما غوندی دیر خلق بوی غو لیدلی و او عقیده بی لوله
 چه رستی گوندی دوی د کوم اجتماعی درد خاوندان دی
 دا خلیک به هغه وخت کی چند کوسی لووی ریمی او چوکی
 خاوندان نه و خپله حقیقی او اصلی بنه او خپل مامیت
 بی داسی بیت ساتلی وجه له سره پری خو یو هیدل هم نه
 مگر خنگه چه خپل شخصی هدف او عندی نصب العین ته -
 وور سیدل بیاد تیکه سره - هغه جمعی او مظاهره وی شهری
 بی بدلی شوی او د هغو بخوانو خبرویوه هم ورسره نه
 لیدل کیده - هیچا دا گمان نه شو کولی چه دوی به
 گوندی هماغه سری وی گمان کوم دی نه دومره ضرورت نه
 وی چرند داسی خلکو نومونه واخستل شی حکم یول بی -
 بیژندلی بی . نوموز یا بددغشی نمایشی خواتانود
 تقلب نه عبرت واخلوا و هر گوره بدی باید عقیده ولر وچه
 خلیک موز پیژنی اوز موزیننی احوال او کردار د تنقید به تلد
 تللی اسیا ز موز د سبب و رخی دا احوال او کردار ورسره بی -
 خوا یخو ایز دی - که لوشاننی تقلب و تخلف به کسی
 و بیینی نود نفرین او لعنت به کانونه موی .
 نو بدی صورت کی به داده چه موز لسی تر خه د خان د اصلاح
 د پاره میجادل شروع کپرو که موز خپل خانونه لصلاح کپی
 شونی بدین وکپی چه تولد هم اصلاح کیدونکی ده .

بقیه ما چه داریم ؟

نه صادرات ترقی کرد و نه واردات تنزل نه حکومت قانونی شده و نه ملت باسواد. راهها خراب. پلها منهدم حمل و نقل قلیل. زراعت و صناعت مانند قرون وسطی نرخوا مترقی و ملت فقیر و بیچاره است و سالهاست این تشکیلات وسیع و اساسی ما محسوف تعیین القاب و رنگ و روغن عمارات است و ما هادر سر تقرر فلان عالیجناب در فلان بست میا حفات گرهی مینما یفتد گاهی هم شکل البسه چیراسی ها تعدیل و کلاه مستخدمین از مریع به گوشه تبدیل میگرد. لاکن نه معدنی استخراج نه نهری حفر نه قابریکه تورید و نه بندی تصمیر گردید. مگر گاهی بطور بیسابقه و معجزه در جراید اعلان میشد که فلان قابریکه دولت (یعنی ملت) ملی شد (یعنی بفلان شخص به قیمت نازلی فروخته و لهذا مال شخصی شد) خوب پس علت این بیخبری ما چیست ؟ خواهی گفتد و چیزه یا هیئت مدیره حکومت نخواسته اند ما چیزی داشته باشیم و یا خواسته اند ولی نتوانسته اند و چون استحقاق نکرده اند در هر دو صورت نزد خلق و تاریخ مملکت مسئولند ولی به عقیده ما علت اصلی نهفته تراست و آن این است که اصلا ما شین اداری ماچیه و غلط بسته شده. فی المثل اگر عقل و ذرا روی زمین را از یک دروازه این دستگا داخل کنید بعد از یکسال از دروازه دیگر آن خسته تا کام و بد نام بیرون میروند. زیرا بسته کاری ماشین حکومت بارها از بسته کاری ما شین یک ساعت بزرگتر مه ترو محتاج علم و دانش بیشتر است. علم و دانشی که نتیجه تجارب بی پایان و چند هزار ساله بنی نوع انسان بوده و بنام علم حقوق و اداره در دسترس ملل روی زمین گذاشته شده است مثلا یک ساعت اگر پوزه های آن چید و غلط بسته شود گرچه توسط پرو قیصر های بزرگی هم باشد آیا کار میکند؟ ما حصل این علم را میتوان در یک جمله (اصول دیموکراسی) خلاصه کرد یعنی تفکیک قوای ثلاثه - حکومت قانون - مسئولیت کابینه در نزد ملت - آزادی و مساوات ملت و اشتراک در امور اجتماع پس تکرار میکنیم که علت عقب ماندگی و بیچیزی ما عدم رعایت اصول دیموکراسی در طرز اداره ماست و بس و تا مایه تحکیم این میانی از مصمم قلب و با تمام قوا متفقا کوشش نکنیم - نه اینکه مالک چیزی نخواهیم شد بلکه خطر از دست دادن چیزی است که فعلا داریم. پس وظیفه نخستین منورین و جراید ملی همانا تبلیغ اصول دیموکراسی و مبارزه با بقایای مطلقیت و استبداد است و بس.

بقیه انصارات دولتی

با انصار دولت در آمدند. همچنین در ایران - هند - مصر - برما و غیره مناطق منابع مهم صنعتی و تولیدی بدولت که نماینده کامل ملت است ارتباط گرفت. فکر کردیم شاید این اقدام نیز از جمله اقدامات الهام گرفته کدام قدم اصلاحی خواهد بود که برای خیر و بهبود عامه به تاسیس این موسسه اقدام کرده باشند. صرف باین فرق که در دیگر جاها به نسبتیکه رضایت و آراء عمومی قیمت نهاده دارد بر هر اقدام نیک و لو صد فیصد بخیر عامه باشد چنان و جنجال میاندازند و حکومت های که عملی ساختن چنین پلانها را بشوری پیشنهاد میکند حتی یا اثر دلایل و مخالفت های احزاب مخالف معرض خطر سقوط واقع میشوند و در تمام مردم آنها بکثرت هیجان و دلچسپی دیده می شود ولی در اینجا چون کار خیر و نیک پنداشته شده بدون کدام سروصدائی چشم پت مهر های تصویری بیجا نیاده شده اند یا باین علت لایحه تاسیس شدن آن بی سر و صدا مراحل خود را طی کرده خواهد بود که در اینجا اصلا حزب یا احزاب مخالف وجود نداشت تا صدای آنها بلند شده و ما هم خبر میشدیم - بهر کیف تمنای ما این است که موسسه مذکور حقیقتا برای خیر و منفعت عامه تاسیس شده باشد نه اینکه برای کدام بیکار کار پیدا کرده باشند. خواهشمندیم اگر از جمله اسرار نه باشد مقصد اصلی تشکیل آن موسسه را که از روی کدام پلان اقتصادی بعمل آمده و آینده بطور عموم سیاست اقتصادی چه خواهد بود بجهانمند و میپر سیم که کدام چیزها با انصار آن در آمده است آیا قره هل نیز منحصراست یا پرایی - غریبی بعضی از غریب های ملیونر مجای خود است و هم تاریخچه مفصل انصار قند و بطرول را اداره مربوط نشر بفرماید که تا اکنون امتیاز انصاران نزد چه کسانی بوده و ازین درک بدولت چه اندازه عواید میپرداخت زیرا امتیاز انصار نوار هر سه سال بعد بممرض دا و طلبی گذاشته میشد ولی در خصوص امتیاز انصار بطرول - قند و بیوره - موتیوتا چند وقت هم قره هل و میوه قندمار و غیره چیزی تشنیده ایم.

ندا = خلق : ما مفضلا در این باره صحبت کرده و دلایل مخالفین را هم که نشر آن قریض شوری است اشاعه می نمائیم - کمیسیون فقط با نه مقابل هفت رای ایسن پروژه را پذیرفته ولی موسسه بعد از تصویب شوری باید شروع بکار میکرد. اما علت عملی نشدن آن مفضلا از تصویبشورا بما معلوم نمیباشد.

شاغلی غلام حسن خا صا قی

د عوت مردم بخسرافات پرستی !!!

از چند یست در سرخ رود و ننگرهار عمارتی بنام موی مبارک ساخته شده است که سه چار جریب زمین احاطه آن است - آیا اسناد و شهود و روایات تاریخی برای آن موجود بوده و تا کنون این موی کجا و به که منسوب است؟ دینا ما باطاعت افعال و احوال موثوقه پیش وایان اسلام مکلفیم و حقیقتا اسلام ازینگونه خرافات پرستی ها بیزار است - مردمان با اطلاع آگاهند که سی و چند سال اولتر زیارتی در غور بند تاسیس و لسی حکومت فوراً بت تحقیقات شروع و اشخاصی را که برای قریب مردم این دستگاه را چیده بودند حبس و زیارت ساختگی شان را کاملاً تخریب نمود اما اکنون سی سال میگذرد ولی ما مورین بزرگ حکومت موی مبارک میسازند متصل همان جا نیکه اکنون زیارت موی مبارک ساخته شده احاطه مکتبی است که از مدتها تصمیر آن به تصویق افتاده و حتی مصالح آنرا باین زیارت جدید صرف نمودند - آیا از نقطه نظر دین که تحصیل علم را بر هر مسلم و مسلمة فرض میداند و از نقطه نظر ایجابات مدنی ما به تصمیر مکتب محتاجیم و یا بساختن زیارت های جدید برای گمراه ساختن مردم؟ حالت امروزی ما شرم آور است افغانستان و مخصوصاً مشرقی محتاج بمدرسه های مدنی است که چشم مردم را به حقایق تلخ و نا گوار مملکت باز ساخته و آنها را از گرداب جهالت و بد بختی و خرافات پرستی برهاند ما از علماء کرام و جوانان منور آرزو مندیم که با اینگونه خرافات پسندی ها و فریب کاریها مبارزه کرده و نگذارند که یکده مفرضین چشم و گوش مردم را بسته و آنها را باین زیارت سازیها و موی مبارک پیدا کردنها فریب دهند .

بقیه روشنامه

احزاب و یا جمیتهای سیاسی را بمردم بیاموزیم - ما آرزو مندیم بمردم نشان دهیم که چگونه با صبر - ثبات و استقامت بدون زور و تشدد فقط از راه دیموکراسی بس منزل نجات میروند - ما سعی میکنیم حس مسئولیت و احترام قانون را در خلق بیدار نموده و بمردم طرز محاکمه آزاد و علنی و روش اثبات جرم و رویه با خلق را در وقت اتهام

مکاتیب وارده :

از شاغلی سید وزیر خان که نامه نداء خلق را - ترجمان احساس نوزده ملیون نفوس افغانستان از امور تا سند دانسته و کذا از شاغلی غلام ذکیخان مسعود که نامه ما را نماینده احساسات ملت و مداوی درد های اجتماعی شمرده و همچنین از شاغلی سید عزیز حسین خان مسعود که نامه ما را خادم خلق و مبارز دیمو کراسی خوانده و خدمات افتخاری خود ها را عرضه کرده اند اظهار ممنونیت نموده و از شاغلی حق جوی (داخل لفافه) و خادم حق گوی (خارج لفافه) که بد کتور محمودی دشنام داده اند تمنا مینمائیم که اسم و شهرت مکمل خود را با داره بیاورند تا به نشر مکتوبشان اقدام نمائیم و لسی خدا کند که خود شان با این نام مطمئن اجیر و مخیر خائنین نباشند .

تبریک و شکران :

اولین شماره نیو هو بس (امید های جدید) مورخه ۱۵ حمل که در اثر تشویقات محترمات خانم انصاری و خانم هیوم یز بان انگلیسی از طرف محصولات مکتب نسوان نشر شده است باداره واصل و ما طلوع این ستاره در خشان و زاده قلم و احساسات دختران با هوش و وطن را تبریک گفته دوام این نامه را آرزو و از خانمهای موصوفه از صمیم قلب تشکر مینمائیم .

× بجزیم نشانداده و برای حصول این حق خلق مبارزه نمائیم - اینک با تشریح مرام خود از نویسندگان - محترم نیز تمنا داریم که برای رهنمائی خلق از جوانین اساسی سایر ملل - طرز انتخابات شان آزادی و حقوق شان - آزادی مطبوعات و روش آنها و خلاصه از اساسات اولیه دیمو کراسی حرف زده ترجمه کرده - امثله آورده و حساب دیروز را بعدالت الهی و تاریخ و حکومت خلق بسیارند .

شرح اشتراك

- کابل : ۴ افغانی سالانه
- ولایات : ۴۵۰
- خارج : ۵۰
- قیمت یک شماره ۵۰ پول
- مطبوعه : گسترش شخصی نداء خلق - کابل